

حلقات

درس ۷۵

استاد: حجت الاسلام و المسلمین علم الهدی

آموزشیار: آقای مهاجری

در درس‌های قبل به موارد تحقق قدرت و عجز پرداخته شد و ثمرات مشروط بودن یا نبودن مراتب مختلف تکلیف به قدرت بیان گردید.

در این درس در صدد هستیم که اولاً حالات مکلف از حیث قدرت داشتن یا نداشتن در طول وقت عمل را بررسی کنیم و ثانیاً اسباب ارتفاع قدرت در یکی از این حالات را بیان کنیم و ثالثاً حکم هر یک از این اقسام را از حیث استحقاق عقاب و داشتن جعل و تکلیف بیان نماییم.

حالات ارتفاع القدرة:

نعم ان القدرة التي هي شرط في الإدانة، و في التكليف قد تكون موجودة حين توجه التكليف، ثم تزول بعد ذلك و زوالها يرجع إلى أحد أسباب:

الأول: العصيان فان الإنسان قد يعصى، و يؤخر الصلاة حتى لا يبقى من الوقت ما يتاح له ان يصلي فيه.

الثاني: التعجيز و ذلك بان يعجز المكلف نفسه عن أداء الواجب، بان يكلفه المولى بالوضوء، و الماء موجود أمامه فيريقه، و يصبح عاجزاً.

الثالث: العجز الطارئ لسبب خارج عن اختيار المكلف.

و واضح ان الإدانة ثابتة في حالات السببين الأول و الثاني، لأن القدرة حدوثاً على الامتثال كافية لإدخال التكليف في دائرة حق الطاعة، و اما في الحالة الثالثة فالمكلف إذا فوجئ بالسبب المعجز فلا إدانة و إذا كان عالماً بأنه سيطراً و تماهل في الامتثال حتى طراً فهو مدان أيضاً.

و على ضوء ما تقدم يقال عادة «ان الاضطراب بسوء الاختيار لا ينافي الاختيار عقاباً» أي انه لا ينفي القدرة بالقدر المعتبر شرطاً في الإدانة و العقاب. و يراد بالاضطرار بسوء الاختيار ما نشأ عن العصيان، أو التعجيز.

و اما التكليف فقد يقال انه يسقط بطرؤ العجز مطلقاً، سواء كان هذا العجز منافياً للعقاب و الإدانة أو لا.

یاد آوری

همان‌طور که گذشت تکلیف در دو مرتبه ادانه و جعل به داعی بعث و تحریک، مشروط به قدرت می باشد.

در مرتبه جعل هم بیان شد که از ادله این گونه استظهار می شود که جعل هایی که مفاد این ادله است به داعی بعث و تحریک صادر شده است.

بررسی حالات مکلف از حیث عجز و قدرت

حالت اول

مکلف در ابتدای وقت ع اجز از تکلیف باشد و عجز او به صورت مستمر تا انتهای وقت باقی بماند ؛ مثلاً به صورت مستمر از ابتدای زوال تا آخر وقت نماز، از انجام نماز ظهر عاجز باشد.

حکم حالت اول

در این حالت مکلف در صورت ترک تکلیف، ادانه و استحقاق عقاب نخواهد داشت و جعل هم شامل حال او نیست و تکلیفی ندارد.

حالت دوم

مکلف در ابتدای وقت قادر بر تکلیف باشد و تا انتهای وقت به صورت مستمر، قدرت او باقی بماند.

حکم حالت دوم

در این حالت مکلف در صورت ترک تکلیف، هم ادانه و استحقاق عقاب خواهد داشت و هم جعل شامل او می باشد و تکلیف دارد.

حالت سوم

مكلف در ابتدای وقت عاجز از تکلیف باشد ؛ ولی در میانه وقت قادر بر تکلیف شود ؛ مثلاً در اول زوال، عاجز از نماز خواندن باشد و در ساعت چهار عصر قادر بر ادای نماز شود.

حکم حالت سوم

در این حالت نیز مكلف در صورت ترك تكليف، هم ادانه و استحقاق عقاب خواهد داشت و هم جعل شامل او می باشد و تکلیف دارد.

حالت چهارم

مكلف در ابتدای وقت قادر بر تکلیف باشد، ولی در میانه وقت عاجز از تکلیف شود و قدرت او زائل گردد.

عجز در این صورت اسبابی دارد که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

اسباب زوال قدرت و طرّو عجز

۱. عصیان

یکی از علل زوال قدرت ، عصیان است به این نحو که مكلف عمداً نماز را آن قدر تاخیر بیندازد که وقت کافی برای اداء نماز نداشته باشد؛ به بیان دیگر در ابتدای وقت قدرت بر انجام نماز را داشت ، ولی به واسطه تاخیر عمدی نماز و ضیق وقت، قدرت از او سلب گردد.

۲. تعجیز

یکی دیگر از علل زوال قدرت تعجیز است؛ به این معنا که مكلف کاری بکند که نتواند نماز را بخواند؛ مثلاً آب وضو را بریزد یا دارویی مصرف کند که بیهوش شود.

۳. عجز

علت سوم زوال قدرت عجز است و آن وقتی است که خارج از اختیار مکلف برایش اتفاقی بیفتد که باعث شود نسبت به تکلیف خود عاجز شود و این دو صورت دارد:

الف. مکلف، عالم به طرّو عجز در آینده نباشد و عجز ناگهانی و بدون اطلاع قبلی حاصل شود؛ مثلاً به ناگاه و بدون اطلاع قبلی مکلف، آب شهر قطع شود و او قادر بر انجام وضو نباشد.

ب. مکلف عالم به طرّو عجز در آینده باشد، ولی آنقدر سستی بکند که عجز بر او عارض شود؛ مثلاً مکلف می داند که آب شهر ساعت چهار قطع خواهد شد، ولی آنقدر نماز را به تأخیر می اندازد که آب شهر قطع شود.

SCO ۱ (۱۳:۵۴)

حکم صور مختلف حالت چهارم

۱. نسبت به مرحله ادانه

الف. اگر سبب زوال قدرت، عصیان یا تعجیز یا عجزی باشد که مکلف نسبت به آن علم دارد، ادانه ثابت است و مکلف نسبت به ترک تکلیف مسئول خواهد بود و مستحق عقاب است. علت این استحقاق عقاب بنابر حکم عقل - آن است که همین قدرت ابتدایی مکلف در این سه حالت کافی است که تکلیف را در دائره حق طاعت مولا ببرد و به مولا این حق را بدهد که تکلیف را از مکلف مطالبه کند و او را مورد مؤاخذه و بازخواست قرار دهد.

عجز موجود در این موارد هم نمی تواند مانع استحقاق عقاب شود؛ زیرا عجز و اضطرار مکلف در این سه مورد به سوء اختیار او حاصل شده است و عجز و اضطرار به سوء اختیار، منافاتی با اختیار از حیث عقاب ندارد و همان طور که مولا می تواند مکلف قادر مختار را عقاب کند، می تواند مکلف عاجز و مضطری را که به سوء اختیار خود به اضطرار و عجز افتاده است، عقاب کند و این بدان علت است که از نظر عقل، قدرت ابتدایی زائل شده به سوء اختیار، در صحت عقاب کفایت می کند و عجز طاری به سوء اختیار منافاتی با قدرت معتبر در صحت عقاب ندارد.

ب. اگر سبب زوال قدرت ، عجزی باشد که ناگهان حاصل شود و مکلف نسبت به عروض آن علم نداشته باشد، ادانه برای او ثابت نیست و مستحق عقاب نمی باشد ؛ زیرا در این حالت اضطرار و عجز به سوء اختیار ر نبوده است ، پس استحقاق عقاب هم وجود ندارد.

۲. نسبت به مرحله جعل و تکلیف

در مورد این مرحله، دو قول وجود دارد. به نظر مشهور،

هر کجا مکلف قدرت خود را به هر سببی از اسباب سه گانه از دست داد، تکلیف و جعل از او ساقط می شود و دیگر تکلیفی متوجه او نخواهد بود هر چند که ادانه از او ساقط نشده باشد؛ اما شهید صدر نظر دیگری دارد که در درس بعد به بررسی آن خواهیم پرداخت.

Scot(۲۶:۸)

حالات مکلف از حیث قدرت و عجز و حکم این حالات بدین صورت است:

الف. عجز در کل وقت عمل که در این صورت مکلف، ادانه و جعل ندارد.

ب. قدرت در طول وقت عمل که در این صورت مکلف، ادانه و جعل دارد.

ج. عجز در ابتداء و قدرت در ادامه که حکم این صورت مثل صورت قبل است.

د. قدرت در ابتدا و عجز در ادامه که حکم آن بستگی به اسباب زوال قدرت دارد. اگر سبب زوال قدرت، عصیان یا تعجیز یا عجز معلوم باشد ادانه وجود دارد؛ اما در صورتی که طرّو عجز، ناگهانی باشد ادانه وجود ندارد. نسبت به مقام جعل هم در فرض چهارم تکلیف ساقط است و در سه فرض اوّل (عصیان، تعجیز، عجز معلوم) نظر مشهور این است که تکلیف و جعل، ساقط است.